

غزل شماره ۲۹۳

بمدادان که ز خلوتکده کاخ ابداع

شمع خاور کلند بر همه اطراف شعاع

برکشد آینه از چیب افق چرخ و در آن

بنماید رخ کیتی به هزاران انواع

در زوایای طربخانه جمشید فلک

آرغنون ساز کند زهره به آهنگ سماع

چنگ در غُلْغُلَه آید که کجاشد منکر؟  
جام در قَمَقَمَه آید که کجاشد مناع؟

وضع دوران بگر ساغرِ عشرت برگیر  
که به هر حالتی این است بهین اوضاع

طَرَه شاهدِ دینی همه بند است و فریب  
عارفان بر سر این رشته نجویند نزع

عمر خسرو طلب از نفع جهان می خواهی  
که وجودیست عطا بخشِ کریم نفاع

مظهر لطفِ ازل، روشنی چشمِ اَمَل  
جامعِ علم و عمل جانِ جهان، شاه شجاع

## تفسیر فال

اوضاع به این صورتی که اکنون داریم، به طور دائم و غیرقابل تغییر نخواهد ماند. فردای روشنی که در پیش است، نویدبخش امیدها و آرزوهای تازه‌ای است. در این مسیر، ضروری است که نسبت به دنیای پر از نیرنگ و فریب اطرافت آگاه باشی و با احتیاط از کنار آنها بگذری. این دنیا ممکن است تو را به سمت چالش‌ها و دام‌های مختلفی هدایت کند، اما باید با بینش و بصیرت از آنها عبور کنی. هر چه در دل داری و هر آرزویی که برای آینده‌ات داری، با ایمان و اطمینان از خداوند بخواه؛ چراکه تنها اوست که مظهر لطف بی‌کران است و هیچگونه حيله‌ای در کارش نیست. او قادر است تو را به مقصدی برساند که دلخواهت می‌باشد، مقصدی پر از آرامش و رضایت.

به کوشش : [پارسی‌دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)